

و بعد از دو دهه انتظار، تولدی تکراری و دروغین به نظر رسید حماسه‌ای زرد و ریشه دار، سروده‌ای آخته و بی حاصل. (بردونی ۱۹۸۶، ۱: ۴۱۶)

شاعر صفت «صفراء» را برای حماسه در نظر گرفته، اما آن حماسه‌ای ناکام مانده است، که پس از سال‌ها انتظار دوباره به انقلابی بی نتیجه و بی ثمر تبدیل شده است، و با آوردن صفت «زائفة» و «واجفة»، دروغ بودن و بی حاصل بودن آن حماسه را به تصویر می کشد؛ چرا که خیزشی زودگذر بوده است.

كان يَأْتِي والجُوعُ يَشْوِي يَدَيْهِ
و على وجهه أَصْفَرُ القَوَافِي

او می آمد در حالی که گرسنگی دو دستش را می سوزاند و بر صورتش قافیه‌های زرد و تهی بود. (بردونی ۱۹۸۶، ۲: ۱۲۵) او در این بیت باوجود تلاشش در راه بیداری مردم، ناکامی خود را بیان می دارد، وی لفظ «قوافی» را مجاز از شعرش گرفته است و منظور از «اصفرار القوافی» بی حاصلی شعر او است. چنان که از دیوان وی یافت می شود: رنگ زرد، رنگی افسرده و دلالت ناکامی دارد.

◀ نگاه شاعر نابینا به خاکستری چیست؟

رنگ خاکستری در اشعار بردونی کاربرد منفی دارد؛ چرا که بر سردی و فرونشستن آتش و بی حرکتی دلالت می کند. او می گوید:

كان يحكي... و فَتَحَتَا مَقْلَتَيْهِ
مثل ثقيبين... في جدارِ رمادي

داشت قصه می گفت... که آن دو چشمانش را باز کردند، چیزی مانند دو حفره... در دیواری خاکستری. (بردونی ۱۹۸۶، ۲: ۴۴۱) شاعر در دیوان خود ۴۱ مرتبه به لفظ «رماد» و «رمادی» که غالباً به معنی سکون و بی تحرکی است اشاره دارد، اما این دلالت و رمز، معنای منفی آن است و اگر نامی از این رنگ یا این عنصر برده است، صرفاً مقصود خود را از دلالت مقابل آن که رنگ سرخ یا انقلاب است، بیان داشته است. یا از لفظ «ریح» به معنی باد که رمز خیزش است یاد کرده یا مستقیم به لفظ «غزو» به معنی جنگ اشاره می کند یا از لفظ «شهب» که پاره‌ای آتش به رنگ سرخ است، سخن گفته است، در جاهایی نیز لفظ «احترق» به معنی آتش و یا «جدوة» به همان معنی در کنار آن آورده شده است.

و على تَجَاعِيدِ الرَّمَادِ
يَهِيمُ التَّلَجُّ التَّهِيمُ

و بر موج‌های خاکستر آن برف یک دست، شوریده حال گشته است. (بردونی ۱۹۸۶، ۲: ۱۵۱)

و در این بیت لفظ «تجاعيد الرماد» و لفظ «تلج» یا همان برف و یخ زدگی را به منظور بی تحرکی به میان می آورد، اما به دنبال آن «تفجر الليلة» به صبح رسیدن شب ظلمانی به کار برده شده که باز به یأس شاعر پایان می دهد، به عبارتی دیگر: بردونی در تمام قصاید خود وحدت موضوعی که همان خیزش ملت عرب است را از دست نمی دهد و به آن چشم امید دارد.

◀ دستان گندمگون مادر

«أسمر» یا همان گندمگون، رنگی میان قرمز و سیاهی بوده، اما بیشتر به سیاهی متمایل است، گندمگون رمزی برای رنگ پوست زمین، رنگ گل و رمز برگ بی جان و همچنین پاییز و افسردگی است. (احمد خلیل ۱۹۹۵: ۱۹) شاعر قصیده «أمی» را در اندوه بازگشت به خاطرات گذشته سروده است، وی در این سروده از روزگار و سختی‌های آن شکوه می کند و رنگ گندمگون را برای دستان مادر خود می آورد؛ چرا که تمام سختی‌های زندگی را می توان در دستان مادر دید.

و تَفَشَّتْ دَمَؤُنَا فِي الرِّوَابِي
الشَّمْرِ؛ كَالعِظْرِ فِي مَهَبِّ الرِّيحِ

و خون ما در تپه‌های گندمگون پراکنده شد چون: عطری در وزش بادها. (بردونی ۱۹۸۶، ۱: ۵۵۶)

در این بیت، شاعر خون هم‌نوعان خود را بر باد رفته می بیند و اندوه آن را به تصویر می کشد و در بیت بعدی نیز با ذکر خاطرات گندمگون، دلالت اندوه را مراد قرار می دهد.

و دَارَتْ ثَوَانِ، فِرَانِ السَّكُونِ
يَبُوعُ، بِالذِّكْرِيَاتِ الشُّغْرِ

ثانیه‌ها به گردش در آمد و سکوت حکم فرما شد؛ سکوتی که انواع خاطرات گندمگون را به خاطر می آورد. (بردونی ۱۹۸۶، ۲: ۸۱)

در این ابیات به نظر می رسد رنگ گندمگون با داشتن دو رنگ سیاه و سرخ به هیچ روی به آن دو نزدیک نمی شود، بلکه به عنوان رنگی مستقل رمز افسردگی برای شاعر است و اوج نا امیدی خود را در آن بیان می دارد؛ گویی شاعر خود را در بیداری مردم پیروز نمی داند.

◀ دیدبانی یک نابینا بر بلندای دیوار شعر

هنر بردونی در کاربرد رنگ‌ها در ابیات شعری اش به گونه‌ای است که نشانی از نابینایی در آن دیده نمی شود، بلکه سراینده آن ابیات، فردی تیزبین است؛ به طوری که در جهان ماده از طریق شرح زیبایش برای رنگ و مخلوط کردن رنگ‌های شبیه به هم، بسیار ظریف عمل کرده است.

به طور کلی رنگ در شعر بردونی جایگاه خود را حفظ کرده و باوجود نابینایی اش، رنگ در شعر او مرز مشخصی داشته و بیشتر صفت برای معنویات است و هر جا صفت برای محسوسات فرار گرفته، شاعر از آن اراده معنویات داشته و سعی وی بر آن است تا به وسیله آن رنگ‌ها، نمایی از جهان آزاد و بدون رنج را ترسیم کند. بردونی را می توان نه تنها شاعر پایداری یمن، بلکه «امیر شعرای» سرزمین خود دانست که با وجود ترس مردم و دیگر شاعران در بیان حقایق، دلیرانه می ایستد و از آرمان‌های میهن خود آزادانه دفاع می کند و سعی در باز کردن افکار دیگران دارد.

منبع:

https://www.iabaj.ir/article_41545.html

▼
هنر بردونی در کاربرد رنگ‌ها در ابیات شعری اش به گونه‌ای است که نشانی از نابینایی در آن دیده نمی شود، بلکه سراینده آن ابیات، فردی تیزبین است؛ به طوری که در جهان ماده از طریق شرح زیبایش برای رنگ و مخلوط کردن رنگ‌های شبیه به هم، بسیار ظریف عمل کرده است

